نشریه علمی (فصلنامه) پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی شماره ۱۰۲
سال سی‌ام، تابستان ۱۴۰۱، صفحه ۷۸ - ۵۳

دموکراسی یا دیکتاتوری: اثر نوع نظام سیاسی بر نهادهای اقتصادی

رضا بخشی آنی
دانشجوی دکترای دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف
bakhshiani_reza@gsme.sharif.edu
مسعود نیلی
دانشیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف (نویسنده مسئول)
m.nili@sharif.ir
سید مهدی برکچیان
استادیار موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
m.barakchian@imps.ac.ir

هدف این پژوهش بررسی اثر نوع نظام سیاسی، دموکراسی یا دیکتاتوری، بر کیفیت نهادهای اقتصادی است که به عنوان متغیر اصلی شکل دهنده فرآیند رشد اقتصادی شناخته می‌شوند. در دموکراسی‌های بالغ، قدرت سیاسی بین طیف متنوعی از ذی نفعان توزیع شده است اما در دموکراسی‌های اولیه، قدرت سیاسی به صورت متمرکز در اختیار فرد منتخب قرار داشته و سایر گروه‌ها امکان مشارکت در قدرت سیاسی را ندارند. در نظام‌های دیکتاتوری اولیه نیز قدرت سیاسی به صورت انحصاری در اختیار یک فرد است اما در دیکتاتوری‌های بالغ، قدرت بین اعضا گروه حاکم به گونه‌ای تقسیم شده است که فرد حاکم در حذف سایر اعضا ائتلاف حاکم با محدودیت مواجه است. نتایج تجربی نشان می‌دهد کیفیت نهادهای اقتصادی در نظام‌های دموکراسی و دیکتاتوری بالغ بهتر از نظام‌های دموکراسی و دیکتاتوری اولیه است. همچنین، کیفیت نهادهای اقتصادی در نظام‌های دیکتاتوری و دموکراسی بالغ تفاوت معناداری با یکدیگر ندارد. نظام‌های دیکتاتوری بالغ علی رغم فقدان انتخابات آزاد حمایت بهتری از حقوق مالکیت نسبت به دموکراسی‌های اولیه داشته‌اند. نتایج به‌دست آمده نسبت به تغییر متغیر وابسته، افزودن متغیرهای کنترل، تغییر نمونه، و استفاده از روش متغیر ابزاری پایدار است.

طبقه‌بندی JEL: P16, P26, O10
واژگان کلیدی: دموکراسی، دیکتاتوری، قدرت سیاسی، نهادهای اقتصادی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۱۸

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]
[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

۱. مقدمه[1]

مطالعات اخیر در حوزه اقتصاد سیاسی عمدتاً بر نقش ساز و کارهای انتقال قدرت مانند انتخابات آزاد و رقابتی در فرایند توسعه اقتصادی تأکید داشته و نشان می‌دهند وجود انتخابات آزاد و رقابتی در نظام‌های دموکراتیک، به دلیل شکل دهی فرآیند پاسخگویی از سوی سیاستمدار به سمت رأی‌دهندگان این زمینه را فراهم می‌سازد تا سیاستمدار نسبت به ارائه کالای عمومی مناسب به رای دهندگان متعهد باشد. درمقابل، فقدان انتخابات آزاد و رقابتی سبب می‌شود تا انتقال قدرت سیاسی بدون مشارکت فراگیر صورت گیرد که باعث کاهش سطح پاسخگویی می‌شود (پرسون و تابلینی، ۲۰۰۰؛ لیندرت، ۲۰۰۴).

درمقابل، مطالعات دیگر نتایج متفاوتی را در خصوص عملکرد اقتصادی نظام‌های سیاسی نشان می‌دهد. بر مبنای این مطالعات، از یک طرف برخی کشورهای برخوردار از انتخابات آزاد و رقابتی در شکل دهی نهادهای اقتصادی حامی حقوق مالکیت موفق نبوده‌اند. در این‌گونه کشورها، فرد منتخب با برخورداری از تمرکز قدرت توانسته حقوق سایر گروه‌ها را نقض کرده و عملکرد اقتصادی را تخریب کند. برای مثال، پس از پیروزی هوگو چاوز در یک انتخابات آزاد و رسیدن به مقام ریاست جمهوری در ونزوئلا، وی شروع به اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مخرب رشد، کسب محبوبیت و حذف گروه‌های رقیب از طریق بازتوزیع منابع مالی دولت به سمت گروه‌های سیاسی همسو کرد. همچنین با استفاده از ظرفیت رسانه‌های دولتی، وجهه رقبای سیاسی خود را تخریب کرده و با تغییر قضات دیوان عالی، امکان نقض حقوق اقتصادی سایر گروه‌ها را به نفع خود به وجود آورد (دلاتوره، ۲۰۱۷).

---

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری رضا بخشی‌آنی به راهنمایی دکتر مسعود نیلی و راهنمایی همکار دکتر سید مهدی برکچیان در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف می‌باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

از طرف دیگر، مطالعات نشان می‌دهد برخی کشورهای با نظام‌های دیکتاتوری و فاقد انتخابات مانند پادشاهی‌های حاشیه خلیج فارس توانسته‌اند نهادهای اقتصادی مناسبی را برای حمایت از حقوق مالکیت فعالان اقتصادی شکل دهند به گونه‌ای که این نهادها از سرمایه‌گذاری‌ها و قراردادهای اقتصادی حمایت قانونی می‌کنند. برای مثال، پادشاهی عمان، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اقتصادی و فعالیت‌های تجاری را مورد حمایت قانونی قرار داده و زمینه توسعه کسب و کارها را به خوبی فراهم ساخته است (گلب و دیگران، ۲۰۰۲؛ کاداماتسو و بیسلی، ۲۰۰۸).

چارچوب فوق نشان می‌دهد ادبیات علمی این حوزه شاهد بروز نوعی ابهام در عملکرد نظام‌های سیاسی و تأثیر آن بر فرایند شکل‌گیری نهادهای اقتصادی است. چرا برخی نظام‌های سیاسی برخوردار از انتخابات آزاد و رقابتی در شکل دهی نهادهای اقتصادی خوب شکست خورده‌اند و درمقابل، برخی نظام‌های دیکتاتوری توانسته‌اند نهادهای اقتصادی حامی حقوق مالکیت و قراردادهای اقتصادی ایجاد کنند؟ در این پژوهش، با هدف رفع ابهام فوق به بررسی اثر نوع نظام سیاسی بر کیفیت نهادهای اقتصادی پرداخته شده است. شومپیتر (۲۰۱۳) آن نظام سیاسی را دموکراتیک می‌داند که حداقل از ساز و کار انتخابات رقابتی و آزاد برخوردار باشد. از منظر وی، ورود آزادانه به رقابت سیاسی و حق مشارکت همه مردم در فرایند رأی‌گیری می‌تواند از شکل‌گیری انحصار سیاسی پیشگیری کرده و نوعی ساز و کار پاسخگویی بین سیاستمدار و رأی‌دهندگان برقرار سازد. پرزورسکی و دیگران (۲۰۰۰) با استفاده از تعریف شومپیتر، نظام‌های سیاسی را به دو گونه دموکراسی و دیکتاتوری تقسیم‌بندی می‌کنند. در این تقسیم‌بندی کشورهای برخوردار از انتخابات آزاد و رقابتی دموکراسی و کشورهای فاقد آن دیکتاتوری تعریف می‌شوند.

نورث و دیگران (۲۰۰۹) توضیح می‌دهند که ساختار قدرت در هر نوع نظام سیاسی از دو مؤلفه ساز و کار انتقال قدرت – رقابتی یا انحصاری – و کیفیت توزیع قدرت – متمرکز یا غیرمتمرکز – تشکیل شده است. در نظام‌های دیکتاتوری، ساز و کار انتقال قدرت به صورت انحصاری و بدون حضور مؤلفه انتخابات آزاد و رقابتی است. توزیع قدرت در نظام‌های دیکتاتوری عمدتاً به صورت متمرکز است. در این نوع نظام‌ها که در اصطلاح دیکتاتوری اولیه نامیده می‌شوند، قدرت سیاسی به طور انحصاری در اختیار فرد حاکم بوده و سایر اعضا ائتلاف

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]
[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

حاکم مشارکتی در قدرت ندارند. با این وجود، در گروه دیگری از دیکتاتوری‌ها، قدرت سیاسی بین اعضا ائتلاف حاکم توزیع شده است. در این نوع دیکتاتوری‌ها که در اصطلاح دیکتاتوری بالغ نامیده می‌شوند، سایر اعضا ائتلاف حاکم نیز در قدرت مشارکت داشته و فرد حاکم در حذف آن‌ها از قدرت با محدودیت مواجه است. در نظام‌های دموکراسی، ساز و کار انتقال قدرت رقابتی و از طریق انتخابات آزاد می‌باشد. در برخی دموکراسی‌ها، قدرت سیاسی به صورت متمرکز در اختیار فرد یا گروه منتخب است. در این نوع نظام‌ها که در اصطلاح دموکراسی اولیه نامیده می‌شود سایر گروه‌های سیاسی امکان مشارکت در قدرت سیاسی را نداشته و فرد یا گروه منتخب با محدودیت‌های کمتری در اتخاذ تصمیم‌گیری‌های سیاسی مبتنی بر منافع شخصی مواجه است. درمقابل، در گروه دیگری از دموکراسی‌ها که در اصطلاح دموکراسی بالغ نامیده می‌شوند، قدرت سیاسی بین بازیگران مختلف به گونه‌ای توزیع شده است که اتخاذ تصمیمات دلبخواهی از سوی فرد یا گروه منتخب با محدودیت مواجه است. با لحاظ دو مؤلفه توزیع و انتقال قدرت سیاسی، و حالت‌های دوگانه فوق، در این پژوهش چهار نوع نظام سیاسی دیکتاتوری اولیه، دیکتاتوری بالغ، دموکراسی اولیه، و دموکراسی بالغ از یکدیگر تفکیک شده و اثر هر یک از این نظام‌ها بر نهادهای اقتصادی به صورت تحلیلی مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس با استفاده از الگوی تجربی فرضیه پژوهش مبنی بر کیفیت بهتر نظام‌های سیاسی غیرمتمرکز نسبت به نظام‌های سیاسی متمرکز مورد آزمون قرار می‌گیرد. در ادامه و در بخش دوم، مبانی نظری پژوهش تشریح می‌شود. سپس در بخش سوم، پیشینه تحقیق شامل چارچوب تحلیلی پژوهش و گونه شناسی نظام‌های سیاسی ارائه می‌شود. بخش چهارم به معرفی مدل تجربی تحقیق جهت آزمون فرضیه، معادله رگرسیون و داده‌های مورد استفاده می‌پردازد. بخش پنجم، نتایج حاصل از برآورد مدل تجربی، تحلیل حساسیت و الگوی متغیر ابزاری جهت حل مسأله درون زایی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و در بخش پایانی، نتیجه‌گیری پژوهش ارائه می‌شود.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

۲. مبانی نظری

نظام سیاسی، ساختار قدرت سیاسی در هر کشوری را شکل می‌دهد. همان‌طور که نورث و دیگران (۲۰۰۹) توضیح می‌دهند هر نظام سیاسی از دو مؤلفه کلیدی برخوردار است: ساز و کار انتقال قدرت که می‌تواند به صورت رقابتی یا غیررقابتی باشد، و کیفیت توزیع قدرت که می‌تواند به صورت متمرکز در انحصار یک فرد یا گروه بوده یا بین گروه‌های مختلف توزیع شده‌باشد. در مرحله بعد، ساختار قدرت سیاسی با شکل دادن کیفیت انگیزه‌های سیاسی درگروه حاکم، کیفیت نهادهای اقتصادی را شکل می‌دهند. آسم اوغلو و دیگران(۲۰۰۱) توضیح می‌دهند نهادهای اقتصادی متغیری درون‌زا بوده به گونه‌ای که همواره بر سر انتخاب نهادهای اقتصادی نوعی برخورد منافع مابین افراد و گروه‌های اجتماعی وجود دارد. در این میان، گروه‌هایی که از قدرت سیاسی بیشتری برخوردارند، تمایل دارند تا نهادهای اقتصادی را وضع نمایند که بیشترین سهم از منابع را به سمت آنان بازتوزیع کند. اما قدرت سیاسی، خود تابعی از نظام سیاسی حاکم بر جامعه می‌باشند. درواقع این ساختار نظام سیاسی است که دامنه اختیارات و قدرت گروه حاکم در جامعه را مشخص می‌سازد. تمرکز قدرت سیاسی، سبب می‌شود تا ساز و کارهای نظارتی بر طبقه حاکم تضعیف شده و این گروه، با محدودیت‌های کمتری در استفاده از ابزار قدرت مواجه باشد. وضع محدودیت‌های کمتر بر گروه حاکم، قدرت بیشتر آنها را در نقض حقوق شهروندان و گروه‌های مخالف خارج از قدرت فراهم ساخته و در عمل قدرت سیاسی را نظارت ناپذیر می‌سازد. در مقابل، توزیع قدرت سیاسی و تکثر آن، امکان شکل دهی انحصار سیاسی و یا سوء استفاده از قدرت را محدود می‌سازد. توزیع متکثر قدرت سیاسی سبب می‌شود تا امکان شکل‌گیری سازمان‌های اقتصادی مستقل از نظام سیاسی فراهم شده و حقوق این سازمان‌ها در مقابل قدرت سیاسی محفوظ باشد.

نظام سیاسی، همچنین تعیین کننده فرآیندکسب قدرت توسط گروه‌های مختلف اجتماعی است. در صورتی که نهادهای سیاسی سبب شکل‌گیری نوعی انحصار در کسب قدرت توسط یک طبقه خاص – مانند طبقه اشراف – شوند، آنگاه فرآیند کسب قدرت توسط سایر گروه‌های اجتماعی جز از طریق اعمال خشونت میسر نخواهد شد. بنابراین ساز و کار انتقال رقابتی قدرت در

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]
[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

شرایطی که قدرت سیاسی متکثر باشد، امکان حضور گروه‌ها و احزاب مختلف سیاسی را در مسند قدرت فراهم ساخته و از این طریق تعادل سیاسی و اقتصادی را در جامعه فراهم می‌سازد. این الگو با تعریف شومپیتر[1](۲۰۱۳)، دال[2](۱۹۷۱) و اودانل[3](۲۰۱۰) از دموکراسی مطابقت دارد. شومپیتر دموکراسی را نظمی نهادی می‌داند که در آن آزادی انتخابات و آزادی ورود به رقابت سیاسی سبب می‌شود تا جا به جایی گروه حاکم در راستای خواست اجتماعی صورت پذیرد. رقابت در سطح نخبگان حاکم جهت کسب حمایت اجتماعی و قدرت سیاسی همان فرایندی است که شومپیتر وجود آن را برای جامعه مفید ارزیابی می‌کند. دال، دموکراسی را روشی سیاسی حول محور انتخاب گروه حاکم توسط مردم تعریف کرده و اشاره می‌کند که این روش امکان کنترل بهتر گروه حاکم را برای مردم فراهم می‌سازد. وجود انتخابات آزاد، امکان مشارکت مردم و رقابت سیاسی از جمله مشخصه‌های اصلی هر نظام دموکراتیک مورد نظر دال می‌باشد. از منظر اودانل نیز مؤلفه کلیدی دموکراسی، وجود ساز و کار انتخابات رقابتی جهت انتخاب اکثریت پست‌های حکومتی و مجموعه‌ای از آزادی‌های مدنی ضروری جهت برگزاری و مشارکت در چنین انتخاباتی است.

در ادبیات دانش سیاسی، تقسیم‌بندی گسسته نظام‌های سیاسی از منظرهای مختلف صورت پذیرفته است. گروهی از مطالعات صرفاً با تمرکز بر الگوی برگزاری انتخابات، وجود انتخابات رقابتی و کیفیت آن را مبنای تقسیم‌بندی نظام‌های سیاسی قرار داده‌اند. در این گروه از مطالعات تقسیم‌بندی‌های دوگانه – دموکراسی و دیکتاتوری – سه گانه – دموکراسی، شبه دموکراسی و دیکتاتوری – و چهارگانه – دموکراسی، شبه دموکراسی، شبه دیکتاتوری، دیکتاتوری – از نظام‌های سیاسی قابل مشاهده است (پرزورسکی و دیگران، ۲۰۰۰، گاسیوروسکی[4]، ۱۹۹۶، مانک[5]، ۲۰۰۹). پرزورسکی با تقسیم‌بندی دو گانه نظام‌های سیاسی به دموکراتیک و

1. Schumpeter
2. Dahl
3. O'Donnell
4. Gasiorowski
5. Munck

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]
[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

غیردموکراتیک، عوامل تأثیرگذار بر چگونگی انتقال از نظام دموکراتیک به غیردموکراتیک را مورد توجه قرار می‌دهد. تقسیم‌بندی دوگانه با نگاه صفر و یکی به نظام‌های سیاسی ابزار مناسبی برای بررسی علل تغییر یک نظام سیاسی از وضعیت دموکراتیک به غیردموکراتیک به‌دست می‌دهد. گاسیوروسکی با ارائه یک تفکیک سه گانه و افزودن نظام شبه دموکراسی، آن را نظامی تعریف می‌کند که علی رغم برخورداری از انتخابات، سطح رقابت سیاسی در آن محدود است. مانک توضیح می‌دهد تقسیم‌بندی دو گانه یا سه گانه نمی‌تواند توضیح کافی برای برخی کشورهایی ارائه دهد که علی رغم ساختار سیاسی اقتدارگرا، واجد برخی خصلت‌های نظام‌های دموکراتیک می‌باشند. وی اضافه کردن نظام شبه دیکتاتوری را جهت تبیین دقیق از ماهیت نظام‌های سیاسی برخی کشورهای آمریکای لاتین ضروری می‌داند. این تقسیم‌بندی‌ها از جهت توجه به ساز و کار انتقال قدرت به عنوان یکی از معیارهای کلیدی تفکیک نظام‌های سیاسی با الگوی معرفی شده در این تحقیق مشابهت دارد. در عین حال به نظر می‌رسد مؤلفه کیفیت توزیع قدرت به عنوان دومین کارکرد نهادهای سیاسی در این مطالعات به طور جدی مورد توجه قرار نگرفته است. به ویژه آنکه انتقال از تفکیک‌های دوگانه به سه گانه و چهارگانه عمدتاً بر اساس مشاهدات نمونه‌ای از نظام‌های سیاسی کشورهایی صورت پذیرفته که در قالب تقسیم‌بندی‌های قبلی نمی‌گنجیده‌اند. برای مثال، ادانل(۱۹۷۳) با بررسی موردی ساختار سیاسی کشورهای آمریکای جنوبی در دهه هفتاد میلادی، نوع جدیدی از نظام سیاسی با عنوان نظام «اقتدارگرای بوروکراتیک»[1] را معرفی می‌کند. نظام اقتدارگرای بوروکراتیک، نظامی است که در آن قدرت سیاسی در انحصار ارتش قرار داشته و ارتش به مثابه یک نهاد جهت اداره امور کشور، طیف گسترده‌ای از بوروکرات‌ها را به کارگیری می‌کند. ادانل در مطالعه خود به طور خاص نظام سیاسی کشورهای برزیل و آرژانتین را در این دسته تعریف می‌کند. به طور مشابه دایاموند[2](۲۰۰۲) به این نکته اشاره می‌کند که بعد از موج سوم دموکراسی و به ویژه پس از فروپاشی شوروری سابق، انواع

1. Bureaucratic Authoritarianism
2. Diamond

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]
[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

جدیدی از نظام‌های سیاسی ظهور و بروز یافته که وی در اصطلاح آنها را «نظام‌های ترکیبی»[1] می‌نامد. مؤلفه اصلی این نوع نظام‌ها از منظر وی، برخورداری از ویژگی‌های نظام‌های دموکراتیک و دیکتاتوری به طور توامان است. وی پس از ارائه یک تحلیل تاریخی نظام‌های سیاسی ترکیبی را نیز به چند گروه متمایز از یکدیگر تقسیم می‌کند. مبنای تقسیم‌بندی ارائه شده، چگونگی ترکیب مؤلفه‌های نظام‌های دموکراتیک و دیکتاتوری است. در عین حال همان‌طور که ذکر شد صرف تمرکز بر نمونه‌های خاص یا برخی ویژگی‌های مشترک نظام‌های دموکراتیک و غیردموکراتیک نمی‌تواند منطق روشنی برای دسته بندی نظام‌های سیاسی به‌دست دهد.

با بررسی مطالعات فوق می‌توان دریافت مبنای تقسیم‌بندی نظام‌های سیاسی در هر مطالعه با مطالعات دیگر متفاوت بوده به گونه‌ای که بخش عمده‌ای از این تفاوت به دلیل توجه به مشخصات ظاهری نظام‌های سیاسی – مانند کیفیت برگزاری انتخابات، وجود رقابت حزبی و ...–یا تمرکز خاص بر برخی نمونه‌های موردی– مانند کشورهای آمریکای لاتین - است. در بخش بعد، با تعریف دو کارکرد اصلی نظام سیاسی – شامل انتقال و توزیع قدرت سیاسی – چهار گونه نظام منشعب از این دو کارکرد تبیین شده است. این گونه‌شناسی علاوه بر اینکه وجه تمایز هر نوع نظام سیاسی با سایر نظام‌ها را به خوبی توضیح می‌دهد، جامع و مانع نیز می‌باشد.

۳. پیشینه تحقیق

با پیروی از نورث و دیگران (۲۰۰۹)، هر نظام سیاسی دارای دو ویژگی اصلی است: اول کیفیت توزیع قدرت سیاسی و دوم، ساز و کار انتقال قدرت سیاسی. این دو مؤلفه، انگیزه و عملکرد نظام سیاسی در وضع نهادهای اقتصادی را مشخص می‌سازد. با در نظر گرفتن این دو مؤلفه اصلی، می‌توان چهار گونه نظام سیاسی را تعریف و شناسایی کرد. «دموکراسی بالغ» آن نوع نظام سیاسی است که در آن توزیع غیرمتمرکز و انتقال رقابتی قدرت سبب می‌شود تا هیچ گروه سیاسی امکان استفاده نامحدود از ابزار قدرت را پیدا نکرده و انتقال قدرت سیاسی بدون خشونت و به صورت

1. Hybrid Regimes

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

مسالمت جویانه مابین گروه‌های مختلف اجتماعی صورت پذیرد. توزیع مناسب قدرت سیاسی، از شکل‌گیری انحصار سیاسی جلوگیری کرده و امکان نقض حقوق اقتصادی سایر گروه‌ها را از گروه حاکم سلب می‌کند. انگلستان مثال بارزی از این گونه نظام‌ها است که در آن به دلیل توزیع مناسب قدرت سیاسی بین بازیگران مختلف، هیچ گروه سیاسی امکان غلبه بر سایر گروه‌ها و نقض حقوق آن‌ها را ندارد. گونه دیگر نظام سیاسی، «دموکراسی اولیه» است که در آن، علی رغم وجود ساز و کار رقابتی برای انتقال قدرت، به دلیل تمرکز قدرت سیاسی، سیاستمدار انگیزه و امکان ایجاد نهادهای اقتصادی با هدف باتوزیع به نفع گروه‌های مرتبط وجود دارد. همان‌طور که اشاره شد همین امر انگیزه گروه‌های ذی نفوذ برای حضور در قدرت را افزایش داده و موجب بروز بی ثباتی و شکل‌گیری رقابت‌های سیاسی پرتنش می‌شود. ونزوئلا مثال روشنی از این گونه دموکراسی‌ها است که در آن، فردی چون هوگو چاوز علی رغم اینکه از طریق انتخابات آزاد و رقابتی به ریاست جمهوری برگزیده شد، اما به دلیل تمرکز بالای قدرت در شخص رییس جمهور، توانست با شکل دهی انحصار سیاسی و اقتصادی، کنترل رسانه‌ها و تغییر قضات دیوان عالی، سایر گروه‌های رقیب را به تدریج از عرصه رقابت حذف نماید. در نظام‌های سیاسی با ساز و کار انتقال غیررقابتی قدرت نیز با توجه به کیفیت توزیع قدرت می‌توان دو گونه نظام سیاسی را از یکدیگر متمایز ساخت. گونه اول، نظام «دیکتاتوری اولیه» است که در آن قدرت سیاسی متمرکز و ساز و کار انتقال آن، انحصاری و غیررقابتی می‌باشد. ائتلاف حاکم در این نوع نظام سیاسی، به دلیل تمرکز بالا و انتقال غیررقابتی قدرت، نظارت ناپذیر بوده و این انگیزه را دارد تا با وضع نهادهای اقتصادی بازتوزیعی، بخش مهمی از منابع اقتصادی را در انحصار خود درآورد. همان‌طور که رابینسون[1] و وردیر[2](۲۰۱۳) توضیح می‌دهند، در نظام‌های دیکتاتوری، توزیع منابع، ابزار مالی دیکتاتور برای خرید پشتیبان و شکل دهی ائتلاف است. این توزیع در عین اینکه موجب تخصیص بیشترین سهم از کیک اقتصاد به ائتلاف حاکم می‌شود، در بلندمدت موجبات کوچک‌تر شدن کیک و تخریب فرآیند رشد خواهد شد. از طرف دیگر درآمدهای ناشی از منابع طبیعی در

1. Robinson
2. Verdier

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]
[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

کشورهای با نظام‌های سیاسی دیکتاتوری اولیه، زمینه تقویت ابزار سرکوب علیه گروه شهروندان عادی و وقوع تنش‌های شدید اجتماعی را فراهم می‌سازد. درواقع بنابر مدل‌های اقتصاد سیاسی، اگر تأمین منابع و هزینه‌های مربوط به سرکوب جامعه، به آسانی امکان پذیر باشد، گزینه استفاده از ابزار سرکوب در مقابل گزینه اعطاء امتیاز به معترضان – و سهیم کردن آنان در قدرت سیاسی- از جذابیت بیشتری برای نظام سیاسی برخوردار خواهد بود (پرسون و تابلینی، ۲۰۰۰). بنابراین در دیکتاتوری اولیه، حقوق سیاسی و اقتصادی شهروندان عادی به طور متناوب توسط دیکتاتور نقض شده و انگیزه لازم در گروه شهروندان عادی برای پس انداز یا افزایش سرمایه انسانی را از بین می‌برد. در این نظام سیاسی، حق مالکیت بر دارایی – اعم از مادی و معنوی – به صورت سلیقه‌ای از دیکتاتور به افراد طبقه حاکم اعطاء یا از آنان گرفته می‌شود. در چنین وضعیتی حتی اعضاء طبقه حاکم نیز تضمینی در خصوص مالکیت بر اموال یا دارایی‌های خود در مقابل دیکتاتور ندارند. نهادهای اقتصادی در این نظام سیاسی، صرفاً با هدف بازتوزیع شدید منابع به سمت طبقه حاکم و نقض مستمر حقوق مالکیت سایر گروه‌ها مستقر شده‌اند که این امر در عین اینکه موجب تخصیص بیشترین سهم از کیک اقتصاد به طبقه حاکم می‌شود، در بلندمدت موجبات کوچک‌تر شدن کیک و تخریب فرآیند رشد را نیز فراهم می‌آورد. رژیم صدام در عراق در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی را می‌توان نمونه بارز اینگونه دیکتاتوری‌ها دانست که در آن، کلیه فرایندهای تصمیم‌گیری به صورت دلبخواه و بر مبنای تمایلات فردی صدام تنظیم می‌شد به گونه‌ای که کوچک‌ترین مخالفت یا انتقاد حتی از سوی اطرافیان نزدیک وی موجب اعمال مجازات‌های سنگین می‌شد. گونه دوم نظام‌های دیکتاتوری، نظام «دیکتاتوری بالغ» است که ساز و کار انتقال قدرت در آن مشابه نظام دیکتاتوری اولیه، انحصاری و غیررقابتی است. اما از جهت ترتیبات نهادی و کیفیت توزیع قدرت با نظام دیکتاتوری اولیه تفاوت دارد. در این نوع نظام سیاسی، قدرت سیاسی به صورت نسبی در طبقه حاکم توزیع شده است. البته این توزیع منحصر در طبقه حاکم است. توزیع نسبی قدرت، این امکان را به اعضاء طبقه حاکم می‌دهد تا به منظور بهره برداری از منابع و فرصت‌های اقتصادی، به تأسیس شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی مستقل از قدرت سیاسی اقدام

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

نمایند. به دلیل توزیع نسبی قدرت سیاسی در طبقه حاکم، حقوق مالکیت بر بنگاه‌های تحت مالکیت خصوصی اعضاء طبقه حاکم، از سوی نظام سیاسی محترم شمرده می‌شود. همین امر سبب می‌شود تا نهادهای اقتصادی ضمانت کننده حقوق مالکیت اقتصادی به تدریج توسعه و گسترش یابند. درواقع نظام سیاسی در دیکتاتوری بالغ، این انگیزه را دارد تا به منظور تضمین حقوق مالکیت اقتصادی اعضاء خود، نهادهای قانونی ضمانت کننده حقوق مالکیت را وضع و تقویت نماید. گرچه این نهادها در ابتدا صرفاً منحصر به طبقه حاکم است، اما به تدریج با توسعه بنگاه‌های اقتصادی متعلق به این طبقه، سایر گروه‌های اجتماعی مانند گروه‌های وابسته به طبقه حاکم و خرده بنگاه‌های متعلق بدان‌ها نیز در شمول این نهادها قرار می‌گیرند. به همین جهت دامنه نهادهای تضمین کننده حقوق مالکیت دائماً در این نوع نظام‌ها توسعه و ارتقاء می‌یابد. کشور عمان یک نمونه مناسب از اینگونه دیکتاتوری‌ها است که در آن، قدرت سیاسی بین اعضاء خاندان پادشاهی توزیع شده است به گونه‌ای که مقام‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی مانند نخست وزیری، وزیر امور خارجه، وزیر کشور، وزیر دفاع، وزیر اقتصاد، و... بین اعضا مختلف خاندان تقسیم شده است. گلب[1] و دیگران (۲۰۰۲) چنین نظامی را برخوردار از ثبات سیاسی و افق برنامه‌ریزی بلندمدت حتی بیشتر از برخی کشورهای برخوردار از انتخابات آزاد و رقابتی ارزیابی می‌کند. وی اکثر پادشاهی‌های خاورمیانه را برخوردار از چنین ساختار سیاسی می‌داند. بنابراین در دیکتاتوری بالغ، علی رغم تخصیص انحصاری قدرت به طبقه یا گروه خاص، به دلیل توزیع نسبی قدرت در طبقه حاکم، انگیزه‌های نظام سیاسی هم در جهت بزرگ شدن کیک اقتصاد –اتخاذ سیاست‌های حامی رشد اقتصادی – و هم تسهیم آن شکل می‌گیرد.

۴. الگوی تجربی

آنچه در این پژوهش بیش از هر موضوع دیگر مورد تأکید است، نوع نظام سیاسی است که انگیزه‌های گروه حاکم را در شکل دهی نهادهای اقتصادی جهت می‌دهد. با در نظر گرفتن چارچوب تحلیلی بخش قبل، می‌توان این فرضیه را مطرح ساخت که نظام دیکتاتوری بالغ علی

1. Gelb

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

رغم فقدان ساز و کار انتخاباتی انتقال قدرت، به دلیل برخورداری از توزیع نسبی قدرت سیاسی در سطح گروه حاکم، از ظرفیت بیشتری برای شکل دهی نهادهای اقتصادی باکیفیت نسبت به نظام دموکراسی اولیه و دیکتاتوری اولیه برخوردار است. درمقابل، در نظام‌های دموکراسی اولیه، به دلیل تمرکز قدرت سیاسی در فرد یا گروه منتخب، امکان شکل دهی نهادهای اقتصادی حامی انحصار و سلب حقوق مالکیت گروه‌های رقیب فراهم می‌شود. همچنین، به دلیل وجود ساز و کار انتخابات رقابتی، سیاستمدار انگیزه دارد تا با هدف پیروزی در انتخابات بعدی، اقدام به بازتوزیع گسترده منابع اقتصادی نماید. بنابراین افق برنامه‌ریزی در این نوع نظام‌ها کوتاه مدت است. جدول(۱) گونه شناسی ارائه شده در خصوص انواع نظام‌های سیاسی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. گونه شناسی نظام‌های سیاسی

گونه شناسی نظام‌های سیاسی		توزیع قدرت	
		متکثر	متمرکز
انتقال قدرت	رقابتی	دموکراسی بالغ	دموکراسی اولیه
	انحصاری	دیکتاتوری بالغ	دیکتاتوری اولیه

مأخذ: یافته‌های پژوهش

در ادامه، با لحاظ گونه شناسی ارائه شده از نظام‌های سیاسی، مدل تجربی جهت آزمون فرضیه پژوهش تبیین می‌شود. با توجه به اینکه بسیاری از دموکراسی‌های اولیه و دیکتاتوری‌های بالغ، وابسته به منابع طبیعی می‌باشند، در این پژوهش، به منظور کنترل اثر شوک قیمتی منابع طبیعی در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی از یک طرف، و کاهش مسأله درون‌زایی از طرف دیگر، با پیروی از مقاله بوشینی و دیگران (۲۰۱۳)، از یک زمان‌بندی خاص جهت برآورد نتایج استفاده شده‌است: نوع نظام سیاسی در ابتدای دوره مورد مطالعه – دهه ۷۰ میلادی –، کیفیت نهادهای اقتصادی در انتهای دوره زمانی مورد مطالعه – دهه ۹۰ میلادی– را شکل می‌دهد. بوشینی و دیگران (۲۰۱۳) توضیح می‌دهند که با لحاظ زمان‌بندی فوق، از یک طرف اثر وقوع شوک‌های قیمتی منابع (۱۹۷۰ تا ۱۹۸۹) بر کیفیت نهادهای اقتصادی نیز در نظر گرفته شده‌است و از طرف دیگر، از اثرگذاری

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]
[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

معکوس کیفیت نهادهای اقتصادی بر نظام سیاسی جلوگیری شده‌است. همچنین متغیر وابسته – کیفیت نهادها – میانگین شاخص‌های نهادی در بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ می‌باشد. با توجه به اینکه در برخی سال‌ها برخی کشورها فاقد داده می‌باشند از شاخص میانگین استفاده شده است تا نمونه مورد مطالعه شامل بیشترین کشورها باشد. در خصوص متغیر مستل – نظام سیاسی - نیز میانگین شاخص‌های سیاسی در بازه ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ مورد استفاده قرار گرفته است. در اینجا نیز به دلیل وقوع برخی شوک‌های سیاسی – مانند جنگ داخلی و ...- دریک سال خاص در برخی کشورها در آن سال کشور فاقد نظام سیاسی مشخص می‌باشد به همین دلیل از شاخص میانگین برای پوشش حداکثری کشورهای عضو نمونه استفاده شده است.

۱-۴. تقسیم‌بندی کشورها

با توجه به گونه شناسی ارائه شده از نظام‌های سیاسی و با هدف آزمون فرضیه‌های تحقیق، نمونه مورد مطالعه بر اساس نوع نظام سیاسی تقسیم‌بندی شده و برای هر گونه در مدل تجربی، یک متغیر مجازی تعریف می‌شود. این کار با استفاده از دو شاخص مطرح جهت سنجش کیفیت نهادهای سیاسی یعنی شاخص دموکراسی از مجموعه «Polity IV» و شاخص «حقوق سیاسی» خانه آزادی صورت می‌پذیرد. یکی از پارامترهای کلیدی در تقسیم‌بندی نظام‌های سیاسی، تمرکز قدرت سیاسی است. هر چه تمرکز قدرت بالاتر باشد، امکان سوء استفاده از قدرت جهت نقض حقوق سیاسی شهروندان بیشتر است. شاخص حقوق سیاسی با بررسی میزان سوء استفاده از قدرت جهت نقض حقوق شهروندان، راهنمای مناسبی جهت تقسیم‌بندی نظام سیاسی کشورهای مختلف است. شاخص دموکراسی نیز با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی چون دوره‌های زمانی انتقال قدرت، سطح قیود محدودکننده بر سیاستمدار، آزادی ورود و خروج به رقابت‌های سیاسی و سایر پارامترهای مؤثر، می‌تواند راهنمای مناسبی در تعیین نوع نظام سیاسی باشد.

علت در نظر گرفتن دو شاخص برای تفکیک نمونه مورد بررسی، کاهش احتمال خطا با استفاده از دو شاخصی است که داده‌های هر یک توسط دو مجموعه متفاوت تهیه و تدوین

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

می‌شود. بر این اساس سه گونه نظام سیاسی دموکراسی بالغ، دموکراسی اولیه و نظام‌های دیکتاتوری با تعیین سه دامنه متمایز برای دو شاخص معیار از یکدیگر تفکیک می‌شوند:

جدول ۲. دامنه تغییرات دو شاخص دموکراسی و حقوق سیاسی به تفکیک گونه‌های نظام سیاسی

	شاخص حقوق سیاسی(۱,۷)	شاخص دموکراسی(۱۰+، ۱۰-)
دموکراسی‌های بالغ	(۱,۲)	(+۶ ،+۱۰)
دموکراسی‌های ابتدایی	(۲,۵)	(-۴،+۶)
دیکتاتوری ها	(۵,۷)	(-۱۰ ،-۴)

مأخذ: یافته‌های پژوهش

همچنین تفکیک دو گونه نظام سیاسی دیکتاتوری بالغ و دیکتاتوری اولیه بر مبنای مطالعات صورت پذیرفته در حوزه علوم سیاسی و اقتصاد سیاسی مانند ایفرت و دیگران(۲۰۰۲) صورت می‌پذیرد. بر این اساس دیکتاتوری‌هایی که قدرت سیاسی به طور نسبی در بین اعضاء طبقه حاکم توزیع شده است در گونه دیکتاتوری‌های بالغ تقسیم‌بندی می‌شوند. عمده پادشاهی‌های خاندانی شامل اکثر پادشاهی‌های حوزه خلیج فارس که قدرت سیاسی به طور موروثی مابین اعضاء خاندان حاکم توزیع شده است، در این گروه قرار می‌گیرد. در مقابل دیکتاتوری‌هایی که قدرت سیاسی به طور متمرکز در اختیار یک فرد یا تعداد محدودی از اعضاء طبقه حاکم –شورای مرکزی حزب حاکم یا فرماندهان ارتش – قرار دارد، در گروه نظام دیکتاتوری اولیه قرار می‌گیرد. در بخش بعدی، معادله تجربی مدل و متغیرهای آن ارائه می‌شود.

۲-۴. معادله تجربی

متغیر کنترل اصلی مدل، درآمد سرانه ابتدای دوره زمانی (۱۹۷۰) است که به عنوان متغیر نماینده سطح توسعه‌یافتگی هر کشور در ابتدای دوره زمانی مورد مطالعه عمل می‌کند. میزان توسعه‌یافتگی هر کشور می‌تواند فرایند تکامل نهادهای اقتصادی آن کشور را در آینده تحت تأثیر خود قرار دهد. کشورهای با سطح رفاه و توسعه مناسب، امکان بهتری برای تشکیل سرمایه انسانی داشته و در

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

نتیجه می‌توانند نهادهای اقتصادی مناسبی را شکل دهند. سال انتخابی به گونه‌ای در نظر گرفته شده که پیش از وقوع شوک‌های قیمتی نفت بوده و مستقل از سایر متغیرها باشد. با هدف تحلیل حساسیت نتایج، متغیرهای کنترل دیگری نیز به مدل اضافه می‌شوند.

وابستگی به منابع طبیعی، می‌تواند کیفیت نهادهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. ساکس و وارنر(۱۹۹۹) نشان می‌دهند هر چه سهم صادرات منابع طبیعی از تولید ناخالص داخلی بیتشر باشد، کیفیت نهادها پایین‌تر است. با هدف کنترل اثر این مؤلفه، متغیر سهم صادرات منابع طبیعی از GDP به معادله اضافه می‌شود.

تجارت آزاد و تبادل با سایر کشورها می‌تواند کیفیت نهادهای اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. به همین جهت با پیروی از فرانکل و رومر (۱۹۹۹)، درجه باز بودن اقتصاد که برابر با مجموع صادرات و واردات تقسیم بر تولید ناخالص داخلی است، به عنوان متغیر کنترل به مدل اضافه می‌شود.

دوران طولانی استعمار در کشورهای در حال توسعه این امکان را فراهم می‌سازد تا نهادهای حقوقی و قانونی این کشورها تحت تأثیر عملکرد استعمارگران قرار گیرد. همان‌طور که برخی مطالعات مانند لیپست (۱۹۹۴) نشان داده‌اند، نوع نظام حقوقی متأثر از دوره استعمار می‌تواند بر کیفیت نهادها اثر بگذارد. مستعمرات بریتانیا عمدتاً تحت تأثیر نظام حقوق عرفی این کشور بوده و در مقابل، مستعمرات فرانسه عمدتاً تحت تأثیر نظام حقوق مدنی بوده‌اند. به منظور کنترل اثر نظام حقوقی بریتانیا و فرانسه، در این تحقیق دو متغیر مجازی برای کشورهای تحت استعمار بریتانیا و فرانسه در نظر گرفته شده است.

به منظور آزمون درستی یا نادرستی فرضیه‌های تحقیق، با استفاده از روش حداقل مربعات، معادله رگرسیونی تحقیق تعریف می‌شود:

$$EI = \alpha_0 + \alpha_1 \times GDP + \alpha_2 \times PoliticalRegimes + \alpha_3 \times X + \epsilon. \qquad (۱)$$

(EI) کیفیت نهادهای اقتصادی و متغیر وابسته مدل تجربی است. (GDP) سطح درآمد سرانه در سال ۱۹۷۰ میلادی و متغیر کنترل مدل است. (PoliticalRegimes) متغیرهای مجازی مربوط به

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

سه نوع نظام سیاسی دیکتاتوری اولیه، دیکتاتوری بالغ، و دموکراسی اولیه است. متغیر مجازی نظام دموکراسی بالغ به عنوان گروه مرجع در نظر گرفته شده و به دلیل پرهیز از هم خطی در معادله نیامده است. (X) سایر متغیرهای کنترل مدل است که به منظور تحلیل حساسیت نتایج به معادله اضافه می‌شوند.

۳-۴. داده ها

متغیر وابسته مدل در این تحقیق، کیفیت نهادهای اقتصادی است. در بیشتر مطالعات صورت‌گرفته، محققان از متغیر نماینده به منظور سنجش کیفیت نهادها استفاده کرده‌اند. از جمله شاخص‌های مورد استفاده در ادبیات می‌توان به شاخص حاکمیت قانون (رودریک و دیگران، ۲۰۰۴)، شاخص ریسک سلب مالکیت (آسم‌اوغلو و دیگران، ۲۰۰۱) و شاخص ترکیبی بوشینی و دیگران (۲۰۰۷) – ترکیبی از شاخص‌های نهادی مانند بوروکراسی، فساد، حاکمیت قانون و ریسک سلب حقوق مالکیت - اشاره داشت. در این تحقیق با توجه به اهمیت کیفیت نظام حقوقی و قانونی در اقتصاد، از میانگین شاخص حاکمیت قانون در بازه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ به عنوان متغیر نماینده کیفیت نهادهای اقتصادی استفاده و داده‌های آن از مجموعه Earthtrends گردآوری شده است.

شاخص‌های متنوعی در ادبیات به منظور بررسی سنجش منابع طبیعی مورد استفاده قرار گرفته است. ساکس و وارنر(۱۹۹۹) سهم صادرات منابع خام از GDP را به عنوان شاخص مورد استفاده قرار داده‌اند. یکی از ملاحظات استفاده از این شاخص، بحث درون‌زایی است. این امکان وجود دارد که شاخص مربوط به منابع طبیعی یک متغیر درون‌زای تحت تأثیر عوامل دیگری مانند سطح توسعه یافتگی باشد. در این تحقیق با توجه به داده‌های در دسترس برای اکثر کشورها در دوره زمانی ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰، میانگین سهم صادرات منابع طبیعی از تولید ناخالص داخلی در این دوره به عنوان شاخص جهت بررسی اثر منابع طبیعی مورد استفاده قرار گرفته و داده‌های آن از مجموعه WDI گردآوری شده است. در عین حال با توجه به زمان بندی خاص در نظر گرفته شده در مدل تحقیق، مسأله درون‌زایی در استفاده از این شاخص حداقل شده است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

در نهایت با توجه به حضور سطح توسعه یافتگی به عنوان متغیر کنترل مدل، لگاریتم درآمد سرانه(GDP) در سال ۱۹۷۰ به عنوان شاخص سطح توسعه یافتگی مبنا قرار گرفته و داده‌های آن از مجموعه WDI گردآوری شده است.

۵. تحلیل نتایج

به منظور بررسی اثر نظام سیاسی بر کیفیت نهادهای اقتصادی، معادله رگرسیونی تحقیق برآورد می‌شود. نتایج برآورد در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. نظام سیاسی و نهادهای اقتصادی

	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
عرض از مبدا	-۳/۷۵۹×××	-۳/۹۶۳×××	-۳/۷۳۷×××	-۴/۰۸۰×××	-۴/۱۳۶×××
	(۰/۵۱۵)	(۰/۵۱۸)	(۰/۵۵۸)	(۰/۵۸۷)	(۰/۶۰۵)
درآمد سرانه	۰/۶۴۶×××	۰/۶۷۷×××	۰/۶۵۳×××	۰/۶۹۵×××	۰/۷۰۳×××
	(۰/۰۶۶)	(۰/۰۶۷)	(۰/۰۷۱)	(۰/۰۷۴)	(۰/۰۷۶)
دیکتاتوری اولیه	-۰/۷۵۴×××	-۰/۶۶۷×××	-۰/۷۰۹×××	-۰/۶۱۴×××	-۰/۶۲۸×××
	(۰/۱۵۰)	(۰/۱۵۵)	(۰/۱۶۹)	(۰/۱۷۶)	(۰/۱۸۰)
دیکتاتوری بالغ	-۰/۰۰۳	۰/۲۴۳	-۰/۰۲۵	-۰/۰۲۱	-۰/۰۳۸
	(۰/۱۹۸)	(۰/۲۳۳)	(۰/۲۹۵)	(۰/۲۹۱)	(۰/۲۹۵)
دموکراسی اولیه	-۰/۸۴۷×××	-۰/۷۹۰×××	-۰/۸۰۵×××	-۰/۷۵۱×××	-۰/۷۵۰×××
	(۰/۱۳۳)	(۰/۱۳۴)	(۰/۱۴۱)	(۰/۱۴۳)	(۰/۱۴۳)
منابع طبیعی		-۰/۷۵۸×	-۱/۰۳۱×	-۱/۰۴۱×	-۱/۰۷۵×
		(۰/۳۹۱)	(۰/۵۷۱)	(۰/۵۶۵)	(۰/۵۷۴)
درجه باز بودن اقتصاد			-۰/۰۷۴×	-۰/۱۹۵×	-۰/۲۰۵
			(۰/۲۱۸)	(۰/۲۲۷)	(۰/۲۲۹)
بریتانیا				۰/۱۹۳×	۰/۲۱۴×
				(۰/۱۱۳)	(۰/۱۲۴)
فرانسه					۰/۰۶۲
					(۰/۱۵۰)

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
مشاهدات	۹۹	۹۹	۹۲	۹۲	۹۲
آماره F	۹۴/۱۴۷×××	۷۸/۲۷۵×××	۶۰/۳۱۴×××	۵۳/۲۸۹×××	۴۶/۱۹۱×××
آماره R^2	۰/۸۰۰	۰/۸۰۸	۰/۸۱۰	۰/۸۱۶	۰/۸۱۷

یادداشت: متغیر وابسته میانگین شاخص حاکمیت قانون (۱۹۹۰-۲۰۰۰) است. خطاهای استاندارد مربوط به هر ضریب در داخل پرانتز ارائه شده است. *،**،*** به لحاظ آماری دلالت بر معناداری ضرایب به ترتیب در سطح ۱۰٪، ۵٪ و ۱٪ دارد.

مطابق نتایج ستون اول جدول (۳) ضریب مربوط به نظام‌های دیکتاتوری اولیه و دموکراسی اولیه، منفی و معنادار بوده که نشان می‌دهد کیفیت نهادهای اقتصادی در این نوع نظام‌ها نسبت به نظام دموکراسی بالغ پایین‌تر است. درمقابل، ضریب نظام دیکتاتوری بالغ معنادار نمی‌باشد که نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین کیفیت نهادهای اقتصادی در نظام‌های دیکتاتوری بالغ و دموکراسی بالغ وجود ندارد. ستون‌های (۲) تا (۴) با افزودن متغیرهای کنترل پایداری نتایج ستون (۱) را ارزیابی می‌کنند.

نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد افزودن متغیرهای کنترل تأثیری بر نتیجه اولیه نداشته است به‌گونه‌ای که در تمام رگرسیون‌ها ضرایب نظام‌های دیکتاتوری اولیه و دموکراسی اولیه منفی و معنادار بوده و درمقابل، ضریب نظام دیکتاتوری بالغ معنادار نمی‌باشد. درآمد سرانه در سال ۱۹۷۰ در تمام رگرسیون‌ها مثبت و معندار است که نشام می‌دهد هرچه سطح توسعه یافتگی اولیه بیشتر بوده، کیفیت نهادهای اقتصادی دوره بعد نیز بالاتر بوده است. ضریب منابع طبیعی در ستون‌های (۲) تا (۴) منفی و در سطح ۱۰ درصد معنادار می‌باشد که بیانگر اثر منفی وابستگی به منابع بر کیفیت نهادهای اقتصادی است. ضریب مستعمرات سابق بریتانیا مثبت و در سطح ۱۰ درصد معنادار باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

۵-۱. تحلیل حساسیت

در این بخش با تغییر متغیر وابسته، حساسیت نتایج به‌دست آمده به این تغییرمورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. برای این هدف، شاخص ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت[1] (۲۰۰۰-۱۹۹۰) به عنوان متغیر وابسته مدل مورد استفاده قرار می‌گیرد. شاخص ساختار قانونی توسط وارتنی و دیگران (۲۰۰۵) تهیه‌شده و میزان حمایت قانونی از قراردادهای اقتصادی، حقوق مالکیت، سطح فساد در نظام قضائی، پلیس و... را ارزیابی می‌کند. مقادیر این شاخص بین صفر تا ۱۰ بوده که مقدار بیشتر، کیفیت بهتر را نشان می‌دهد.

نتایج تحلیل حساسیت در جدول ۴ ارائه شده است. ضرایب منفی و معنادار نظام‌های دیکتاتوری اولیه و دموکراسی اولیه در ستون‌های (۱) تا (۵) جدول (۴) نشان می‌دهد کیفیت شاخص ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت در این نظام‌ها کمتر از نظام دموکراسی بالغ است. این نتایج با افزودن سایر متغیرهای کنترل همچنان پایدار است. درمقابل، ضریب دیکتاتوری بالغ در تمامی رگرسیون‌ها معنادار نشده است که نشان می‌دهد کیفیت ساختار قانونی در این نظام با نظام دموکراسی بالغ تفاوت معناداری ندارد. نتایج به‌دست آمده بیانگر پایداری نتایج اصلی با تغییر متغیر وابسته و وافزودن متغیرهای کنترل است.

۵-۲. متغیر ابزاری

در این پژوهش، با استفاده از ترتیب زمانی دو دوره‌ای، تلاش شده است تا مسأله درون‌زایی از ناحیه علیت معکوس کمینه شود. با این وجود همچنان ممکن است مدل تجربی پژوهش به دلیل وجود متغیر حذف شده دچار مشکل درون زایی باشد. برای حل این مسأله، در این بخش از روش متغیر ابزاری استفاده می‌شود.

بنابر تبیین تاریخی ارائه شده از سوی آسم اوغلو و دیگران(۲۰۰۱) فرآیند شکل‌گیری نظام‌های سیاسی در مستعمرات اروپایی به شرایط جغرافیایی هر مستعمره مرتبط بوده است. مهاجران اروپایی در مناطق با شرایط جغرافیایی نامناسب مانند آمریکای جنوبی ساکن نشده و

1. Legal Structure and Security of Property Rights

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

صرفاً به دنبال استخراج معادن و منابع در این مناطق بوده‌اند. به همین جهت، با هدف استخراج بیشترین منابع و انتقال آن به سرزمین‌های اصلی، مهاجران اروپایی انگیزه داشته‌اند تا از شکل‌گیری قدرت سیاسی متمرکز و مقتدر در این مناطق حمایت کنند تا ضمن نقض حقوق مالکیت ساکنان بومی، بتوانند از نیروی کار ارزان جمعیت بومی نیز بهره ببرند. درمقابل، مهاجران اروپایی عمدتاً مناطق با شرایط جغرافیی مناسب و معتدل را برای سکونت انتخاب کرده و به دلیل اینکه خود، جمعیت اصلی آن مناطق را شکل داده‌اند، این انگیزه را داشته‌اند که نهادهای اقتصادی حامی حقوق مالکیت خصوصی را حمایت کنند. به همین دلیل، در مناطقی چون آمریکای شمالی، نهادهای اقتصادی باکیفیت و حامی حقوق اقتصادی شکل گرفته است.

جدول ۴. تحلیل حساسیت

	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
عرض از مبدا	-۱/۴۵۹	-۱/۸۸۹×	-۱/۲۰۸	-۱/۶۱۰	-۱/۵۹۹
	(۱/۱۴۵)	(۱/۱۱۷)	(۱/۱۸۳)	(۱/۲۷۱)	(۱/۲۹۲)
درآمد سرانه	۱/۱۴۶×××	۱/۲۱۶×××	۱/۱۴۹×××	۱/۱۹۸×××	۱/۱۹۷×××
	(۰/۱۴۵)	(۰/۱۴۳)	(۰/۱۵۰)	(۰/۱۶۱)	(۰/۱۶۴)
دیکتاتوری اولیه	-۱/۲۶۲×××	-۱/۰۴۵×××	-۱/۲۵۱×××	-۱/۱۴۳×××	-۱/۱۳۸×××
	(۰/۳۲۶)	(۰/۳۲۴)	(۰/۳۴۸)	(۰/۳۷۰)	(۰/۳۸۴)
دیکتاتوری بالغ	-۰/۵۱۱	-۰/۰۱۲	-۰/۲۱۴	-۰/۲۰۳	-۰/۱۹۷
	(۰/۴۸۹)	(۰/۵۰۶)	(۰/۶۰۵)	(۰/۶۰۶)	(۰/۶۱۸)
دموکراسی اولیه	-۱/۶۷۶×××	-۱/۵۱۳×××	-۱/۶۱۱×××	-۱/۵۵۴×××	-۱/۵۵۴×××

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
	(۰/۲۸۶)	(۰/۲۸۲)	(۰/۲۹۲)	(۰/۳۰۰)	(۰/۳۰۲)
منابع طبیعی		-۲/۵۱۲×××	-۱/۷۸۱	-۱/۸۱۱	-۱/۸۰۵
		(۰/۹۱۷)	(۱/۲۲۵)	(۱/۲۲۷)	(۱/۲۴۰)
درجه باز بودن اقتصاد			-۰/۴۲۶	-۰/۵۴۶	-۰/۵۴۲
			(۰/۴۵۹)	(۰/۴۸۰)	(۰/۴۸۷)
بریتانیا				۰/۲۰۶	۰/۲۰۰
				(۰/۲۳۵)	(۰/۲۵۶)
فرانسه					-۰/۰۱۸
					(۰/۳۱۵)
مشاهدات	۹۴	۹۴	۸۹	۸۹	۸۹
آماره F	۶۵/۸۴۸×××	۵۸/۰۳۲×××	۴۵/۴۸۶×××	۳۸/۹۸۷×××	۳۳/۶۹۴×××
آماره R^2	۰/۷۴۷	۰/۷۶۷	۰/۷۶۹	۰/۷۷۱	۰/۷۷۱

یادداشت: متغیر وابسته میانگین شاخص ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت (۱۹۹۰–۲۰۰۰) است. خطاهای استاندارد مربوط به هر ضریب در داخل پرانتز ارائه شده است. *،**،*** به لحاظ آماری دلالت بر معناداری ضرایب به ترتیب در سطح ۱۰٪، ۵٪ و ۱٪ دارد.

تحلیل تاریخی فوق نشان می‌دهد شرایط جغرافیایی به طور غیرمستقیم از طریق شکل دهی راهبرد مهاجران اروپایی برای سکونت یا عدم سکونت، در شکل دهی ساختار قدرت سیاسی نقش

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

کلیدی ایفا کرده و پس از آن نوع نظام سیاسی، کیفیت نهادهای اقتصادی در هر کشوری را شکل داده است. همچنین پرسون و تابلینی (۲۰۰۵) نیز در مطالعه خود عرض جغرافیایی را به عنوان یک متغیر ابزاری برای نظام سیاسی در نظر گرفته و توضیح می‌دهند که این متغیر ابزاری می‌تواند مؤلفه‌های فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی مؤثر در شکل‌گیری نظام سیاسی در هر کشور را نمایدگی کند. بنابراین، در این پژوهش با پیروری از پرسون و تابلینی (۲۰۰۵)، عرض جغرافیایی – قدر مطلق فاصله از استوا – به عنوان متغیر ابزاری برای نظام‌های سیاسی با قدرت سیاسی متمرکز – دیکتاتوری اولیه و دموکراسی اولیه – در نظر گرفته می‌شود.

نتایج برآورد در جدول (۵) با استفاده از روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای (2SLS) ارائه شده است. ستون (۱) جدول (۵) نتایج رگرسیون مرحله اول را نشان می‌دهد. ضریب عرض جغرافیایی در ستون (۱) منفی و معنادار است که نشان می‌دهد با افزایش قدرمطلق عرض جغرافیایی، نظام‌های سیاسی متمرکز – دیکتاتوری اولیه و دموکراسی اولیه – کمتر می‌شوند. ستون (۲) نتایج مرحله دوم رگرسیون را با متغیر وابسته حاکمیت قانون نشان می‌دهد. ضریب نظام‌های متمرکز در ستون (۲) منفی و معنادار است که بیانگر اثر منفی این نظام‌ها بر کیفیت حاکمیت قانون است. ستون (۳) نتایج مرحله دوم را با متغیر وابسته ساختار قانونی ارائه می‌دهد. به طور مشابه، ضریب نظام‌های متمرکز منفی و معنادار است. بنابراین، استفاده از متغیر ابزاری نتایج به‌دست آمده در بخش‌های قبل را تأیید کرده و نشان می‌دهد کیفیت نهادهای اقتصادی در نظام‌های دیکتاتوری اولیه و دموکراسی اولیه در سطحی پایین‌تر از نظام‌های دیکتاتوری بالغ و دموکراسی بالغ قرار دارد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

جدول ۵. متغیر ابزاری

	(۱)	(۲)	(۳)
	مرحله اول	مرحله دوم	مرحله دوم
متغیر وابسته	نظام‌های متمرکز	حاکمیت قانون	ساختار قانونی
عرض جغرافیایی	-۱/۴۱۱×××		
	(۰/۲۲۳)		
نظام‌های متمرکز		-۱/۴۳۵×××	-۲/۶۶۲×××
		(۰/۱۳۷)	(۰/۰۶۱)
عرض از مبدا	۰/۹۸۳×××	۱/۰۶۵×××	۷/۲۰۲×××
	(۰/۰۷۵)	(۰/۱۰۵)	(۰/۲۱۰)
مشاهدات	۱۰۲	۱۰۱	۹۴
آماره F	۴۰/۰۱۷×××	۴۵/۲۴۴×××	۴۳/۱۲۰×××
آماره R^2	۰/۲۸۶	۰/۵۲۶	۰/۵۱۴

یادداشت: متغیر وابسته میانگین شاخص ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت (۱۹۹۰-۲۰۰۰) است. خطاهای استاندارد مربوط به هر ضریب در داخل پرانتز ارائه شده است. *،**،*** به لحاظ آماری دلالت بر معناداری ضرایب به ترتیب در سطح ۱۰٪، ۵٪ و ۱٪ دارد.

۶. نتیجه‌گیری

درحالی‌که برخی مطالعات در حوزه اقتصاد سیاسی بر اثر مثبت انتخابات آزاد و رقابتی بر کیفیت عملکرد نهادهای اقتصادی تأکید دارد، مشاهده کیفیت مناسب نهادهای اقتصادی در برخی دیکتاتوری‌ها در مقابل کیفیت پایین آن‌ها در برخی دموکراسی‌ها نوعی تناقض را در این خصوص مطرح می‌سازد. در پژوهش حاضر این پرسش مورد بحث قرار گرفته است که نوع نظام سیاسی – دموکراسی یا دیکتاتوری – چه اثری بر کیفیت نهادهای اقتصادی کشورهای مختلف داشته است؟ سپس، بر اساس دو مؤلفه کلیدی ساختار قدرت سیاسی شامل کیفیت توزیع قدرت سیاسی –

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]
[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

متمرکز یا غیرمتمرکز – و ساز و کار انتقال قدرت سیاسی – رقابتی یا انحصاری – اثر چهار نوع نظام سیاسی دیکتاتوری اولیه، دیکتاتوری بالغ، دموکراسی اولیه و دموکراسی بالغ بر کیفیت نهادهای اقتصادی مورد تحلیل قرار گرفته و این فرضیه مطرح شده است که نظام‌های سیاسی غیرمتمرکز از کیفیت بهتر نهادهای حامی حقوق مالکیت و قراردادهای اقتصادی نسبت به نظام‌های متمرکز برخوردارند. در نظام دیکتاتوری اولیه، قدرت سیاسی به صورت متمرکز و انحصاری در اختیار فرد یا گروه محدودی است. در نظام دیکتاتوری بالغ، اگرچه ساز و کار انتقال قدرت مشابه دیکتاتوری اولیه غیررقابتی است اما قدرت سیاسی به طور نسبی در سطح گروه حاکم توزیع شده است. درمقابل، نظام قدرت سیاسی در دموکراسی اولیه علی رغم برخورداری از ساز و کار رقابتی انتقال قدرت و انتخابات آزاد، متمرکز است. درنهایت، قدرت سیاسی در نظام دموکراسی بالغ غیرمتمرکز و انتقال آن رقابتی است.

با در نظر گرفتن گونه‌شناسی فوق و استفاده از الگوی تجربی در این پژوهش، اثر نوع نظام سیاسی بر کیفیت نهادهای اقتصادی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج بیانگر آن است که کیفیت نهادهای اقتصادی در دیکتاتوری اولیه و دموکراسی اولیه پایین‌تر از دیکتاتوری بالغ و دموکراسی بالغ است. در دیکتاتوری اولیه، گروه حاکم می‌تواند به طور دلبخواه حقوق فعالان اقتصادی را نقض کند. نهادهای اقتصادی در این نوع نظام‌ها در جهت کسب منافع شخصی ایجادشده و از کیفیت پایینی برخوردار است. دموکراسی اولیه علی رغم برخورداری از ساز و کار انتقال قدرت، به دلیل تمرکز قدرت سیاسی در فرد یا گروه منتخب، امکان نقض حقوق مالکیت سایر گروه‌ها را فراهم می‌سازد. در دیکتاتوری بالغ، توزیع نسبی قدرت در گروه حاکم سبب می‌شود تا امکان نقض حقوق اعضا گروه حاکم توسط پادشاه محدود شده و امکان شکل‌گیری نهادهای حامی حقوق اقتصادی به تدریج فراهم شود. تحلیل حساسیت نتایج تجربی نشان می‌دهد این نتایج نسبت به تغییر متغیر وابسته، تغییر متغیرهای کنترل، تغییر نمونه، و استفاده از روش متغیر ابزاری پایدار است.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

نتایج به‌دست آمده اهمیت ساختار توزیع قدرت در هر نوع نظام سیاسی و اثر آن در شکل دهی نهادهای اقتصادی را نشان داده و امکان پژوهش‌های بیشتر در خصوص عوامل مؤثر بر کیفیت توزیع قدرت در نظام‌های سیاسی مختلف را فراهم می‌سازد.

منابع

Acemoglu D., Johnson S. and J.A. Robinson (2001). *Reversal of fortune: Geography and institutions in the making of the modern world income distribution*, National bureau of economic research, No. w8460.

Boschini A. Petterson J. and J. Roine (2007). "Resource Curse or Not: A Question of Appropriability". Scandinavian Journal of Economics, 109(3), pp. 593-617.

Boschini A., Pettersson J. and J. Roine (2013). "The Resource Curse and its Potential Reversal". *World Development*, No. 43, pp. 19-41.

Dahl R. A. (1973). *Polyarchy: Participation and opposition*. Yale University Press.

De la Torre C. (2017). "Hugo Ch_avez and the di_usion of Bolivarianism". *Democratization*,24(7), pp. 1271-1288.

Diamond L. J. (2002). "Thinking about hybrid regimes". *Journal of democracy*, 13(2), pp. 21-35.

Frankel J.A. and D. Romer (1999). "Does trade cause growth?". *American economic review*, pp. 379-399.

Gasiorowski M.J. (1996). "An Overview of the Political Regime Change dataset". *Comparative Political Studies*, 29(4), pp. 469-483.

Gelb A., Eifert B. and N.B. Tallroth (2002). "The Political Economy of Fiscal Policy and Economic Management in oil-exporting countries". *World Bank Policy Research Working Paper*, No. 2899.

Gwartney James D., Robert A. Lawson and R. James Clark (2005). "Economic Freedom of the World, 2002". *The Independent Review*, 9(4), pp. 573-593.

Herb M. (1999). *All in the family: absolutism, revolution and democracy in Middle Eastern monarchies*. SUNY Press.

Kudamatusu, Timothy Besleyand Masayuki and Timothy Besley. (2008). "Making Autocracy Work". *Institutions and Economic Performance*, pp. 452-510.

Lindert Peter H. (2004). *Growing Public: Volume 1, the Story: Social Spending and Economic Growth Since the Eighteenth Century* (Vol. 1). Cambridge University Press.

Lipset S.M. (1994). "The Social Requisites of Democracy Revisited: 1993 presidential address". *American sociological review*, pp. 1-22.

Marshall M.G., Jaggers K. and T.R. Gurr (2004). *Polity IV. College Park*, Maryland: University of Maryland.

Munck G.L. (2009). *Measuring democracy: A bridge between scholarship and politics*. JHU Press.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]

North D.C., Wallis J.J. and B.R. Weingast (2009). *Violence and Social Orders: a Conceptual Framework for Interpreting Recorded Human History*. Cambridge University Press.

O'Donnell G. (2010). *Democracy, Agency, and the State: Theory with Comparative Intent*. Oxford University Press.

Persson T. and G. Tabellini (2000). *Political Economics: Explaining Economic Policy*. MIT Press, Cambridge.

Przeworski A., Alvarez R.M., Alvarez M.E., Cheibub J.A., Limongi F. and F.P.L. Neto (2000). *Democracy and development: Political institutions and well-being in the world, 1950-1990* (No. 3). Cambridge University Press.

Robinson, J. A., & Verdier, T. (2013). "The Political Economy of Clientelism". *The Scandinavian Journal of Economics*, 115(2), pp. 260-291.

Robinson J.A. and T. Verdier (2013). "The Political Economy of Clientelism". *The Scandinavian Journal of Economics*, *115*(2), pp. 260-291.

Rodrik D., Subramanian A. and F. Trebbi (2004). "Institutions rule: the primacy of institutions over geography and integration in economic development". *Journal of economic growth*, 9(2), pp. 131-165.

Sachs JD, Warner AM. (1999). "The Big Push, Natural resource booms and growth". *Journal of development economics*. 59(1). pp. 43-76.

Schumpeter J. A. (2013). *Capitalism, Socialism and Democracy*. Routledge.

Seymour Lipset Martin (1994). "The Social Requisites of Democracy Revisited". *American Sociological Review*, No. 59, pp. 1-22.

The Heritage Foundation (2008). Index of Economic Freedom.

The Freedom House (2017). Methodology.

World Governance Indicators: www.worldbank.org [2] AASHTO. LRFD bridge design specifications (4th ed.). Washington (DC): American Association of State Highway and Transportation Officials; 2007.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-02-18]

[DOI: 10.52547/qjerp.30.102.53]